

مبارزه کارگران فولاد سیادن ابهر، وظیفه ما چیست؟

آغاز

با توقف تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران، در کارخانه‌ها و محیط‌های کار شرایطی به وجود آمده که اگر ادامه یابد گلوی طبقه کارگر را بیش از پیش خواهد فشرد. افزایش فشار کار، تأخیر در پرداخت دستمزدها و تهدید و اخراج کارگران آغاز شده است. عزم کارفرمایان برای انتقال هزینه‌های جنگ به طبقه کارگر به روشنی قابل ملاحظه است و دولت نیز قصدی برای دخالت و محدود کردن کارفرمایان ندارد. خطرات بزرگی پیش روی ماست که اهمیت تکتک این مسائل و لحظات را دو چندان کرده است.

تجاوزگران امیدوار بودند مردم علیه جمهوری اسلامی به خیابان بیایند. قصد آنها به خیابان کشاندن مردم، استفاده از اختلافات قومی و نژادی، مسلح کردن گروه‌هایی مثل مجاهدین خلق و به وجود آوردن شرایطی مثل سوریه بود. هدف تضعیف دولت جمهوری اسلامی، ایجاد هرج و مرج دائمی و جنگ داخلی بی‌پایان است. خطری که برای طبقه کارگر و مبارزات آن به مراتب بزرگتر از استثمار و سرکوب به دست دولت جمهوری اسلامی است.

موفقیت امپریالیست‌ها یعنی **انهدام اجتماعی**، و نابود شدن نتایج سال‌ها کار و مبارزه طبقاتی کارگران در زمانی کوتاه. هر چند آنها در جنگ ۱۲ روزه به اهداف خود نرسیده‌اند، اما خطر رفع نشده است.

چگونه می‌توان مقابل تجاوز ایستادگی کرد؟ ابزار ما کارگران در این مبارزه چیست؟ باید دوش به دوش دولت و سرمایه‌داران مبارزه کنیم؟ باید گذشته را فراموش کنیم و به جمهوری اسلامی و سرکوب‌گران کارگران اعتماد کنیم؟ در این نوشته کوتاه، ابتدا تلاش می‌کنیم شناختی از شرایط و خطرات بدست بیاوریم. سپس با یک مثال از مبارزه کارگران فولاد سیادن شهرستان ابهر، سعی می‌کنیم نشان دهیم که ما کارگران چه وظایفی بر دوش داریم، و برای انجام این وظایف، چه امکاناتی در دست داریم.

چرا اسرائیل و آمریکا امیدوار بودند مردم علیه جمهوری اسلامی قیام کنند؟

شرایط امروز ما نتیجه سال‌ها حاکمیت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و تحریم‌های بین‌المللی است. دستمزدهای کم، قراردادهای کوتاه‌مدت (یک و چندماهه)، نبود امنیت شغلی و کارکردن تا آخر عمر شرایط امروز طبقه کارگر است. خدماتی مثل بیمه و درمان، آموزش و بهداشت رایگان یا ارزان، بیمه بیکاری و مرخصی‌های استعلاجی، سال به سال در حمایت از سرمایه‌داران و به ضرر کارگران تضعیف و یا حذف شده است.

اکثر جمعیت جامعه در شرایط بسیار سختی در حال زندگی هستند و شرایط روز به روز وخیم‌تر شده است. در مقابل فقر گسترده کارگران و فرودستان ثروت بی‌پایان سرمایه‌داران قرار دارد. در مقابل جمعیت عظیم مستأجران و حاشیه‌نشینان

صدها هزار خانه خالی از سکنه قرار دارد، و در مقابل آزادی بدون مرز سرمایه‌داران، سرکوب هرگونه مبارزه طبقاتی کارگران خودنمایی می‌کند.

اکثر جمعیت جامعه آرزوی تغییر شرایط کنونی و نابودی عاملان آن را دارند. دلیل امیدواری آنها به شورش عمومی همین شرایط است.

آیا شرایطی بدتر از شرایط کنونی نیز ممکن است؟

اتفاقات سال‌های اخیر خاورمیانه نشان داده شرایط کنونی ایران، زمینی حاصلخیز برای پروژه‌های امپریالیستی است. امپریالیست‌ها امیدوار بودند با شروع جنگ و قیام مردم علیه جمهوری اسلامی، شرایط را بدست بگیرند و کاری را انجام دهند که در انجام آن استاد هستند: ایجاد انهدام اجتماعی.

ممکن است تبلیغات رسانه‌های طرفدار غرب قبل از حمله به کشورهای مثل عراق و لیبی و سوریه را به یاد نداشته باشیم. اما نتیجه اقدامات آنها پیش چشم ما قرار دارد: ویرانی‌های گسترده، گروه‌های مسلح و مزدور، و درگیری، جنگ و کشتار هرروزه. برای ایران نیز چنین چیزی در نظر دارند. آنها با وعده بهشت وارد می‌شوند و در زمان بسیار کوتاهی جهنم به پا می‌کنند.

این روزها در اطراف خود زیاد شنیده‌ایم که «شرایط از این بدتر نمی‌شود». اما آنچه امپریالیست‌ها برای ما به ارمغان خواهند آورد، به مراتب وحشتناک‌تر از شرایط کنونی‌ست. ما باید به شرایط سوریه، همچون آینده احتمالی خود نگاه کنیم. اگر ما خواهان بهتر شدن اوضاع هستیم، باید مقابل تجاوز امپریالیستی ایستادگی کنیم.

مقاومت مقابل تجاوز و امپریالیسم چگونه ممکن است؟

مقابله با ارتش‌های تابن دندان مسلح، بدون همراهی اکثریت عظیم جامعه تلاشی بیهوده است، و هرگاه طبقات کارگر و فرودست به مبارزه بپیوندند، شکست دادن آنها غیرممکن است.^۱ کارگران، فرودستان و خانواده‌های آنها طبقه اصلی اجتماع و اکثریت جمعیت هستند. ایستادگی مقابل تجاوز بدون بهبود شرایط این جمعیت، کاهش شکاف طبقاتی و مبارزه با فقر گسترده غیرممکن خواهد بود. هر نیرویی باعث تشدید فقر و شکاف طبقاتی شود، در عمل به پروژه اسرائیل یاری رسانده است.

^۱ تاریخ درس‌های آموزنده‌ای دارد. مقاومت یمنی‌ها (به عنوان یکی از فقیرترین کشورهای دنیا) مقابل سگ‌های درنده امپریالیسم، مقاومت خلق ویتنام مقابل تجاوز آمریکا و سرآمد همه آنها مقاومت نزدیک به هشتادساله فلسطین مقابل وحشی‌ترین نیروهای تاریخ، همگی مثال‌هایی از مقاومت، ایستادگی و شکست‌ناپذیری‌ست.

جمهوری اسلامی در شعارها و تبلیغات خود مبارزه با ستم‌گران خارجی را تبلیغ می‌کند، اما در عمل با اجرای سیاست‌های سرمایه‌داری و سپردن طبقه کارگر به تیغ بی‌رحم سرمایه‌دارن یکی از پایه‌های اصلی مقابله با این ستم‌گری را تضعیف می‌کند. چه قبل از تجاوز اسرائیل و چه پس از آن، جمهوری اسلامی با حمایت کامل از سرمایه‌داران علیه کارگران، نشان داده که هیچ درکی از این پایه مهم ایستادگی در برابر ستم‌گران خارجی (درست‌تر بگوییم: امپریالیست‌ها) ندارد و هیچ اراده‌ای برای تقویت آن نیز در جمهوری اسلامی پیدا نمی‌شود. بنابراین از یک طرف باید مقابل تجاوز و نقشه‌های امپریالیست‌ها ایستاد، و از طرف دیگر مقابل دولت سرمایه‌داری داخلی. این‌ها چگونه ممکن است؟

چه باید کرد؟

گفتیم که شرایط سخت زندگی طبقات کارگر و فرودست، زمینه تجاوز امپریالیست‌ها را به وجود آورده و بدون بهبود شرایط زندگی این طبقه، خطر انهدام اجتماعی پیش روی ما قرار دارد. دولت اراده‌ای برای محدود کردن سرمایه‌داران و تغییر رفتار گذشته خود ندارد. یک طرف تجاوز امپریالیست‌ها، طرف دیگر هجوم سرمایه‌داران و دولت داخلی. چه باید کرد؟ چگونه می‌توان مقابل دو دشمن جنگید؟ پاسخ مبارزه طبقاتی‌ست.

دولت به میل و رضایت خود دست از حمایت سرمایه‌داران بر نمی‌دارد. هرگاه طبقه کارگر آگاه و متحد شده توانسته سیاست خود را به دولت تحمیل نماید. مجبور کردن دولت به اجرای سیاست‌هایی برای محدود کردن سرمایه‌داران و حمایت از کارگران، باید نخستین هدف مبارزه باشد. باید دولت را مجبور کنیم که از گسترش خصوصی‌سازی دست بکشد، و کارفرمایان را در اخراج کارگران و تأخیر در پرداخت دستمزدها محدود کند. مصادره اموال سرمایه‌داران فراری به نفع عموم، گرفتن مالیات‌های سنگین از ثروتمندان، جلوگیری از خالی ماندن خانه‌ها و گسترش حاشیه نشینی و جلوگیری از تحمیل هزینه‌های تجاوز امپریالیستی به زندگی کارگران باید توسط مبارزه طبقاتی کارگران به دولت تحمیل شود.

گسترش مبارزه طبقاتی، قدرت کارگران در مقابل سرمایه‌داران را تقویت خواهد کرد. مقاومت مقابل اخراج، تهدید و تحقیر کارگران، مبارزه علیه تأخیر در پرداخت دستمزدها و افزایش فشار کار روزانه، و تلاش برای بهبود شرایط کلی کارگران باید در دستور کار مبارزه قرار بگیرد. کارگران پس از جنگ در اکثر محیط‌های کاری با این دشواری‌ها روبه‌رو بوده‌اند. اگر خود به مبارزه روی نیاوریم، هیچ کس از ما دفاع نخواهد کرد.

گسترش مبارزه در شرایط کنونی، باعث بهبود وضعیت زندگی، گسترش روحیه مبارزه و اتحاد و افزایش آگاهی کارگران و فرودستان می‌شود و مستقیماً به مبارزه علیه امپریالیست‌ها کمک می‌کند، و زمینه بروز انهدام اجتماعی را کم‌رنگ‌تر خواهد کرد. اتحاد و مبارزه طبقاتی اسلحه ما مقابل هر دو دشمن است.

باید از خطرات مسیر حرکت خود آگاه شویم تا بتوانیم برای آن چاره‌ای بیندیشیم. خطر انهدام اجتماعی در شرایط کنونی خطری بسیار بزرگتر برای ماست. باید مبارزه طبقاتی خود را به گونه‌ای پیش ببریم که به تقویت امپریالیست‌ها منجر نشود، و یکی از اهداف ما باید مجبور کردن دولت به مقاومت مقابل امپریالیست‌ها و هشدار دادن در مورد عواقب تسلیم باشد. شرایط بسیار پیچیده است و هر گام با هوشیاری کامل برداشته شود.

آگاهی شرط لازم برای مقابله با خطرات است، اما کافی نیست. تبدیل این آگاهی به دستور کارهای مشخص نیز ضروری است. مشورت و صحبت در مورد مسائل و خطرات و متحد شدن در محیط‌های کار، شکل دادن به اتحادهای جدید و تقویت اتحادهای قدیمی و با خبر بودن از شرایط و مبارزات سایر کارگران وظیفه هر روزه ماست.

در ادامه با اشاره به مثال کارگران کارخانه فولاد سیادن ابهر، تلاش می‌کنیم معنی حرف‌های خود را مشخص‌تر کنیم.

از مبارزه کارگران فولاد سیادن ابهر چه می‌توان آموخت؟

به گزارش سایت ایلنا و چند سایت دیگر، در روز پنجشنبه دوم مرداد ماه ۱۴۰۴، کارگران کارخانه فولادسیادن در شهرستان ابهر، متحد شده و مقابل اداره کار و دادستانی شهرستان ابهر تجمع کرده‌اند. اعتراض اصلی کارگران به تأخیر در پرداخت دستمزد بوده است. در خبرها آمده که مسئولان در محل تجمع قول پیگیری مشکلات را داده‌اند، اما پس از پایان یافتن تجمع کارگران شیفت شب از حضور در محل کار منع شده‌اند. بهانه کارفرما کاستن از هزینه‌های تولید بوده است. در این کارخانه نزدیک به ۳۰۰ کارگر مشغول کار هستند، و تأخیر در پرداخت دستمزدها، و تهدید به اخراج سابقه‌دار است.

تلاش کارگران برای دستیابی به حقوق قانونی خود، تهدید و اخراج کارگران توسط کارفرما، و سکوت دولت داستان آشنا و پرتکراری است. تا اینجا رفتار دولت و کارفرما نسبت به قبل از جنگ تغییری نکرده است. معنی این اتفاقات چیست: قرار است دستمزد با تأخیر چندماهه پرداخت شود، و در صورت اعتراض کارگران اخراج شوند.

در مقابل، کارگران گام‌های اول اتحاد خود را برداشته‌اند و دست به تجمع زده‌اند. در گام اول نتیجه اخراج بوده است. بیایید بررسی کنیم که برای ادامه مبارزه چه گزینه‌هایی پیش روی کارگران فولاد سیادن است:

کارگران باید به مبارزه خود تا رسیدن به اهداف اولیه ادامه دهند. موفقیت‌هایی مثل به روز شدن دستمزدها روحیه کارگران را تقویت می‌کند.

کارگران باید متحدانه از هم‌سنگرهای اخراج شده خود حمایت نموده و اخراج نشدن آن‌ها را به هدف اصلی مبارزه خود تبدیل کنند. پذیرفتن اخراج هم‌سنگرهای خود اشتباهی مهلک است.

مبارزه کارگران غیرقانونی نیست، اما تأخیر در پرداخت دستمزدها در هر شرایطی غیر قانونی است. دستمزد و بیمه کارگران جزو دیون ممتاز است و از نظر قانونی باید فوراً پرداخت شود. کارگران باید با تکیه بر مطالبات قانونی اتحاد خود را محکم کنند.

در صورت سکوت و بی‌عملی اداره کار، کارگران می‌توانند قدرت خود را از طریق شرکت‌دادن خانواده‌های خود در تجمعات چندبرابر کنند. تأخیر در پرداخت دستمزد، اثرات غیرقابل جبرانی را بر زندگی خانواده‌های کارگران دارد. کارگران باید خانواده‌های خود را در آگاهی کامل نسبت به کار و مبارزات خود قرار دهند.

این لحظه از مبارزه با هر نتیجه‌ای (چه شکست، چه پیروزی)، نباید نقطه پایان مبارزه باشد. آن‌ها باید اتحاد خود را تقویت و تثبیت نمایند. کارگران ابهر باید یک گام به پیش بردارند و اتحاد خود را در شکل یک نهاد مستقل دائمی مثل **سندیکای مستقل تثبیت کنند**. بدون ارتقای این **اتحاد لحظه‌ای به اتحاد پایدار** کارفرما در اولین فرصت با شناسایی و اخراج رهبران مبارزه، حاصل و تجربیات این مبارزه را از بین خواهد برد. رهاکردن مبارزه در این مرحله یک گام به عقب و شکست مبارزه در آینده خواهد بود.

کارگران آگاه در کارخانه فولاد ابهر، باید وظیفه خود در مقابل کل طبقه کارگر را بشناسند و اهمیت این وظیفه را به همکاران خود گوشزد کنند. اگر آنها گامی به پیش بردارند، الگویی برای سایر کارگران خواهند بود و به سهم خود مبارزه طبقاتی را به پیش برده‌اند. آنها نباید با اولین دستاوردها یا تهدیدها از مبارزه خود عقب‌نشینی کنند. سایر کارگران شهرستان ابهر، و حتی کل کارگران نیز وظایفی در مقابل این کارگران بر عهده دارند که به آنها اشاره می‌کنیم:

در صورت اقدام کارفرما برای اخراج کارگران مبارز و جذب کارگران جدید، کارگران شهرستان باید با خودداری از استخدام شدن در این کارخانه از هم‌طبقه‌ای‌های خود حمایت نمایند. باید علیه چنین کارفرمایی افشاگری شود. کارگران دیگر باید با کارگران ابهری ارتباط گرفته و حمایت از آن‌ها و صحبت از تجربیات خود به آنها با قوت قلب دهند. برای کارگران دیگر شهرستان که با تأخیر در پرداخت در دستمزد مواجه هستند این می‌تواند فرصتی باشد برای متحد شدن و اعتراض به این مسأله. آن‌ها می‌توانند با تجمع در محل کار خود و یا مقابل اداره کار حمایت خود را نشان دهند و گامی نیز در راستای اتحاد خود بردارند.

سرنوشت کارگران ابهری، درد مشترک کارگران در کل ایران است. پرداخت دستمزدهای معوقه، تغییر بزرگی در زندگی کارگران به وجود نمی‌آورد. اما گامی به سوی متحدشدن در این شرایط، ما را یک گام از فاجعه دور می‌کند. کارفرمای کارخانه فولاد سیادن ابهر، با تهدید و اخراج کارگران در حد توان خود به پروژه اسرائیل و امریکا کمک می‌کند. اداره کار و کل دولت جمهوری اسلامی با سکوت و بی‌عملی خود مقابل چنین کارفرمایی در همین مسیر گام خواهند برداشت. دولت می‌تواند هزاران شعار زیبا در تلویزیون پخش کند، اما چنین عملکردی گام برداشتن در مسیر انهدام اجتماعی است.

ما کارگران با تقویت و گسترش مبارزه طبقاتی، نباید اجازه دهیم دولت و سرمایه‌داران با اخراج، تأخیر در پرداخت دستمزد، و سرکوب اتحاد و مبارزه کارگران به پروژه امپریالیستی کمک کنند. ما مقابل دو دشمن می‌جنگیم، اما یک سلاح در اختیار داریم. هر گام در این مسیر ارزشی بی‌مانند دارد.

باید حصارها را بشکنیم و به مرزهای جدید پا بگذاریم. اگر تا دیروز فقط در جمع دوستان خود صحبت می‌کردیم، امروز واجب است که با همکاران دیگر نیز هم‌صحبت شویم. اگر مقابل خیانت‌ها سکوت کرده‌ایم، از امروز باید بی‌تفاوتی را کنار بگذاریم. اگر فقط به همکاران و محیط کار خود فکر می‌کردیم، امروز ضروری است که از سایر کارگران و مبارزات آن‌ها نیز خبر داشته باشیم. در هر قدمی از اتحاد و آگاهی هستیم، باید قدمی دیگر به جلو برداریم. اگر تا دیروز، شمشیر به دست داشته‌ایم، امروز باید تفنگی فراهم کنیم. خطرات بزرگتر، وظایف بزرگتری پیش روی ما گذاشته، و مبارزه‌ای متحدتر و قدرتمندتر باید در دستور کار قرار بگیرد.